

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۳

مروری نظام‌مند بر مفهوم نوآوری در علوم انسانی و اجتماعی

الناز مسماخسروشاهی^۱ سید سپهر قاضی نوری^{۲*} مهدی پاکزاد^۳ ابوالقاسم سرآبادانی^۴ پروانه آقائی^۵

چکیده

هدف: اغلب پژوهشگران معتقدند که نوآوری با خلق ارزش‌های تجاری محقق می‌شود. چنین تعریفی با رویکردی ایزاری، مختص نوآوری‌های فناورانه با قابلیت خلق تأثیرات اقتصادی است که با توجه به ماهیت علوم انسانی و اجتماعی در خلق ارزش‌های ذاتی، توصیفگر نوآوری در این علوم نیست؛ بنابراین هدف اصلی پژوهش حاضر، ارائه تعریفی از نوآوری در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی است.

روش پژوهش: پژوهش حاضر با تجزیه و تحلیل ۲۸ منبع فارسی و انگلیسی طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۳ به روش کدگذاری ۲ مرحله‌ای، به مرور نظام‌مند پیشینه نوآوری در علوم انسانی و اجتماعی پرداخته است. کیفیت پژوهش نیز با معیارهای ۴ گانه کرسول و پوت (۲۰۱۶) شامل باورپذیری، انتقال‌پذیری، اطمینان‌پذیری و تأییدپذیری بررسی شده است.

یافته‌ها: مطابق یافته‌ها «ایجاد نظریه جدید یا پرداختن به نظریات موجود از دیدگاهی دیگر»، «خلق ارزش‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی» و «تجسم ارزش در افراد و جامعه» را میتوان به ترتیب معادل مراحل «ایده‌یابی یا خلاقیت»، «خلق ارزش یا تحقق نوآوری» و «پذیرش نوآوری» در فرایند نوآوری پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی دانست.

نتیجه‌گیری: ما بر اساس یافته‌ها، نوآوری در علوم انسانی و اجتماعی را خلق ارزش‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از طریق ارائه نظریات جدید یا پرداختن به نظریات موجود از نگاهی دیگر تعریف می‌کنیم که با تبلور در افراد و جامعه کاربردی میشود. چنین تعریفی با تأکید بر ماهیت متفاوت نوآوری در علوم انسانی و اجتماعی، ضرورت توسعه معیارهایی جهت اثبات سودمندی این علوم و ارائه بسته‌های حمایتی متفاوت جهت تحریک نوآوری در این علوم به‌ویژه از بعد بازار را برجسته میکند.

کلیدواژه‌گان: نوآوری، نوآوری در علوم انسانی و اجتماعی، تأثیر علوم انسانی و اجتماعی، تجاری‌سازی علوم انسانی و اجتماعی، ارزش علوم انسانی و اجتماعی

۱. دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران Elnaz.khosroshahi@modares.ac.ir

۲. دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (مسئول مکاتبات) Ghazinoory@modares.ac.ir

۳. مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور / تهران / ایران pakzad@nrsp.ac.ir

۴. دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران a.sarabadani@modares.ac.ir

۵. دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران P.aghaeidizaj@modares.ac.ir

پیشگفتار

امروزه نوآوری به‌عنوان منبع مزیت رقابتی و رشد اقتصادی، راه‌حلی برای رویارویی با تحولات سریع جهانی (دمانپور و شنایدر^۱، ۲۰۰۶) و مقابله با چالش‌های اجتماعی است (گالت^۲، ۲۰۱۸). اولین مطالعات نوآوری، به سال ۱۹۱۱ و تلاش شومپیتر^۳ بازمی‌گردد. او به‌عنوان اقتصاددان، نوآوری را ابزاری برای رشد اقتصادی می‌دانست (گودین^۴، ۲۰۰۸). بعدها، اغلب پژوهشگران با پیروی از وی، خلق ارزش اقتصادی را جان مایه تعاریف خود از نوآوری قرار داده‌اند (پورتر و استرن^۵، ۱۹۹۹). طی دهه‌های اخیر، اولویت‌های تأمین مالی نیز با استراتژی‌های رشد اقتصادی همسو شده؛ یعنی دانش باید ارزش تجاری خلق کند. در این دیدگاه اقتصادی، ارزش پژوهش در کمک فوری آن به رشد اقتصادی است (بنورث^۶، ۲۰۱۵)؛ اما باید در نظر داشت که امروزه مفهوم توسعه، متشکل از رشد اقتصادی، پیشرفت اجتماعی و بهبود فردی است و دانش دارای ۳ بعد طبیعی، اجتماعی و انسانی است. در این دیدگاه، نوآوری تنها محدود به فعالیت‌های فناورانه نیست؛ بلکه در علوم انسانی و اجتماعی نیز رخ می‌دهد (لانداستورم و ژوو^۷، ۲۰۱۱)؛ اما متأسفانه توجه سیاست‌گذاران بر خروجی‌های اقتصادی موجب شده تا سرمایه‌گذاری در پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی با تردید مواجه شود (بنورث، ۲۰۱۵)؛ زیرا خروجی آن‌ها به‌ندرت به شکل مصنوعات و فناوری‌هاست (محمودپور و همکاران، ۱۳۹۱) و بیشتر در خدمت تولید محتوا برای جامعه (گلحسینی و همکاران، ۱۴۰۰) و خلق «ارزش» ذاتی است (هولم^۸ و همکاران، ۲۰۱۵)؛ بنابراین در تجاری‌سازی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی، باید رویه فعلی را از

1. Damanpour & Schneider

2. Gault

3. Schumpeter

4. Godin

5. Porter & Stern

6. Benneworth

7. Lundström & Zhou

8. Holm

تمرکز صرف بر تأثیر اقتصادی (به‌تنهایی) به یک رویه گسترده‌تر با «ارزش» عمومی چندوجهی تغییر دهیم؛ چراکه کاربرد صرف رویکرد تأثیر، موجب فشار فزاینده برای کالایی ساختن دانش می‌شود (چیزی که پژوهش‌های این حوزه در اغلب موارد فاقد آن هستند) و از طرف دیگر خروجی پژوهش‌های آن‌ها مانند سایر علوم (در قالب تولید واکسن، جلوگیری از بلایای طبیعی و ...) به سرعت قابل مشاهده نیست (بلفیور^۱، ۲۰۱۵).

به صورت کلی، فرایند نوآوری در دیدگاه اقتصادی و مرسوم آن، طی یک زنجیره ارزش با ایده‌یابی، غربال و تأمین مالی ایده‌ها آغاز می‌شود و پس از خلق ارزش تجاری (اجرای ایده‌ها) و یافتن مشتریان، با استفاده واقعی توسط کاربران نهایی، موردپذیرش قرار می‌گیرد (کرلی و همکاران، ۲۰۱۸). با در نظر گرفتن تفاوت میان خلاقیت یا ایده‌یابی (ایده‌هایی که هنوز منتج به ارزشی نشده‌اند) و تحقق نوآوری (خلق ارزش تجاری توسط ایده‌ها) (اندرسون^۲ و همکاران، ۲۰۱۴) و بررسی مراحل زنجیره ارزش نوآوری، درمی‌یابیم که فرایند نوآوری طی ۳ مرحله اصلی ایده‌یابی یا خلاقیت، خلق ارزش و پذیرش نوآوری رخ می‌دهد. ایده‌یابی یا خلاقیت، با هدف تغییر در تمام حوزه‌های زندگی اعم از علم، فناوری، ساختار بازار، مهارت‌ها و قابلیت‌ها (گوسوامی و متیو^۳، ۲۰۰۵)، تفاوت در نحوه انجام امور (پرین^۴، ۲۰۰۲)، اکتشاف (گودین، ۲۰۰۸) و خلق امور و چیزهای جدید یا بهبود آن‌ها انجام می‌شود (سینگ و آگاروال^۵، ۲۰۲۲). خلق ارزش (تحقق نوآوری) نیز با کمک به رشد اقتصادی در قالب خلق ارزش افزوده (گوسوامی و متیو، ۲۰۰۵)، درآمدزایی (لافلای و چاران^۶، ۲۰۱۰) و خلق مزیت رقابتی (سینگ و آگاروال، ۲۰۲۲) محقق می‌شود. درنهایت، استفاده گسترده و

1. Belfiore
2. Anderson
3. Goswami & Mathew
4. Perrin
5. Singh & Aggarwal
6. Lafley & Charan

انتشار نتایج حاصل از فناوری (رابرتز^۱، ۲۰۰۷) و کاربرد امور جدید (گوسوامی و متیو، ۲۰۰۵) پذیرش نوآوری را رقم می‌زنند.

با این دیدگاه اقتصادی، نوآوری تنها قابلیت تعمیم به برخی رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی را داراست. به‌عنوان مثال، مشورت یک وزیر با اقتصاددانان جهت مقابله با بحران‌های اقتصادی و دریافت راه‌حل علمی از روان‌شناسان نمونه‌ای از خلق ارزش اقتصادی توسط این علوم است؛ بنابراین، برخی شاخه‌های علوم انسانی و اجتماعی درست مثل علوم، فناوری، مهندسی و ریاضیات^۲ (STEM) قادر به توسعه کالا و خدماتی‌اند که برای آن مشتریان وجود دارد. معادل بنگاه‌های اقتصادی آن نیز، شرکت‌های مشاوره، دفاتر حقوقی، مراکز روان‌درمانی، اتاق‌های فکر و مراکز سیاست‌گذاری‌اند که بر اساس دستاوردهای علوم انسانی به ارائه و فروش بسته‌های مشاوره به مشتریان خود در یک بازار آزاد و رقابتی می‌پردازند (موسوی، ۱۳۹).

این در حالی است که علوم انسانی و اجتماعی در کنار تأثیرات اقتصادی محدود، طیف وسیعی از تأثیرات اجتماعی و سیاستی را ایجاد می‌کنند. هنگامی که در مورد تأثیر پژوهش سؤال می‌شود، اکثر دانشگاهیان هنر و علوم انسانی بر «خیر عمومی»^۳، یعنی ارزش عمومی کار پژوهشی و غنی‌سازی فرهنگی تأکید دارند. به‌علاوه تأثیرات آن‌ها در حوزه‌های متعدد اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی، سلامت و رفاه و فرهنگی ایجاد می‌شود. بخشی از تأثیرات علوم اجتماعی و انسانی نیز به‌شکل اثرگذاری بر تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری است (رید^۴ و همکاران، ۲۰۲۱)؛ یعنی زمانی که تصمیم‌گیرندگان و بازیگران اجتماعی از نتایج پژوهش به‌عنوان مبنایی برای سیاست‌ها یا اقدامات خود استفاده می‌کنند (ریل^۵ و همکاران، ۲۰۱۸). در چنین شرایطی با توجه به قابلیت علوم انسانی و اجتماعی در خلق

1. Roberts

2. science, technology, engineering, and mathematics

3. public good

4. Reed

5. Reale

ارزش‌های غیراقتصادی نظیر حفظ هویت ملی (کاسترو مارتینز^۱ و همکاران، ۲۰۱۰)، ایجاد نشاط و سرگرمی برای جامعه (لویت^۲ و همکاران، ۲۰۱۰)، توسعه سیاست‌هایی برای ارتقای امنیت عمومی و کاهش آمار جرائم (آکادمی بریتانیا برای علوم انسانی و اجتماعی، ۲۰۱۰) و ایجاد دموکراسی (بوهر^۳ و همکاران، ۲۰۲۲) و نظایر آن سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا اساساً اتکا به تعاریف مرسوم نوآوری و ارائه تعریف یکپارچه‌ای از نوآوری برای تمامی علوم ممکن است؟ در این صورت، با توجه به ارائه دستاوردهای ناملموس بدون قابلیت محاسبه تأثیرات اقتصادی در علوم انسانی و اجتماعی، تعریف مناسب نوآوری برای آن‌ها چیست؟ به‌ویژه آنکه مطابق با پیشینه، عمده تلاش‌ها معطوف بر شناسایی ارزش‌های این علوم و تأکید بر خلق ارزش ذاتی آن‌ها (هولم و همکاران، ۲۰۱۵؛ بخشی و همکاران، ۲۰۰۹) بدون ارائه تعریف مشخصی از نوآوری برای این علوم بوده است.

ارائه تعریفی از نوآوری با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد علوم انسانی و اجتماعی، موجب رفع دغدغه پژوهشگران این رشته‌ها جهت نشان دادن تأثیرات خود می‌شود؛ چراکه طی سال‌های اخیر، با مطرح شدن بحث اقتصاد دانش‌محور، ایجاد صنایع، مشاغل و محصولات جدید در گرو کاربرد عملی دانش قرار گرفته است. چنین فضایی موجب افزایش فشار برای پاسخگویی و نشان دادن تأثیر اقتصادی به سرمایه‌گذاران شده است (هازلکورن^۴ و همکاران، ۲۰۱۳). علاوه بر آن، شناسایی خروجی‌های ناملموس و متفاوت این علوم در مقایسه با STEM، موجب توجه به چالش‌های تجاری‌سازی این علوم و ضرورت ارائه بسته‌های حمایتی متفاوت توسط سیاست‌گذاران علم و فناوری می‌شود (نریمانی و همکاران، ۱۳۹۶). ما در این پژوهش با استفاده از مراحل زنجیره ارزش نوآوری متشکل از ۳ مرحله اصلی ایده‌یابی یا خلاقیت (ایده‌هایی که هنوز ارزشی خلق نکرده‌اند)، خلق ارزش یا تحقق نوآوری (ایده‌های اجرایی شده) و پذیرش نوآوری (استفاده عملی

1. Castro Martínez

2. Levitt

3. Bühner

4. Hazelkorn

خروجی‌های نوآوری توسط کاربران نهایی)، با مرور نظام‌مند پیشینه به بررسی مفهوم نوآوری حاصل از پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی و ارائه تعریفی مناسب از نوآوری برای این علوم می‌پردازیم. در ادامه پس از تشریح نحوه انجام پژوهش، به بیان یافته‌ها و بحث و نتیجه‌گیری پرداخته می‌شود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مطالعات کیفی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها از نوع مرور نظام‌مند^۱ است. مرور نظام‌مند با ارزیابی وضعیت پیشینه در مورد یک سؤال پژوهشی خاص، به دنبال شناسایی مطالعات مرتبط، استخراج داده‌ها، تجزیه و تحلیل و در نهایت ترکیب نتایج برای ارائه بینشی گسترده‌تر از دامنه مورد بررسی است (ون دینتر^۲ و همکاران، ۲۰۲۱). پژوهش با روش پیشنهادی شیائو و واتسون^۳ (۲۰۱۹) طی ۳ مرحله و ۸ گام به شرح ذیل و شکل ۱ انجام شده است.

برنامه‌ریزی مطالعه مروری: ابتدا سؤال پژوهش تنظیم شد: «مفهوم نوآوری

حاصل از پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی چیست؟»

اجرای مطالعه مروری: این مرحله با ۵ گام طی شد. ابتدا با کلیدواژه‌های

انگلیسی “humanities and social sciences value” “humanities and social sciences impact”، “innovation in humanities and social sciences”

کلیدواژگان فارسی «ارزش علوم انسانی و اجتماعی»، «تأثیر علوم انسانی و اجتماعی» و «نوآوری در علوم انسانی و اجتماعی» مقالات، کتب و گزارشات به زبان انگلیسی و فارسی در پایگاه‌های انگلیسی گوگل اسکالر^۴ و اسکوپوس^۵ و پایگاه‌های فارسی «مجلات تخصصی

1. systematic literature review

2. Van dinter

3. Xiao & Watson

4. google scholar

5. scopus

نور»، «مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی» و «پایگاه اطلاعات نشریات ایران» جستجو شد. جهت پوشش کلیه مطالب مرتبط، محدودیت زمانی برای جستجو در نظر گرفته نشد. در مجموع ۴۶ منبع در جستجوی اولیه شناسایی شدند. در گام چهارم معیارهایی برای پذیرش و عدم پذیرش تعیین شد. ابتدا عنوان مطالب بررسی و مطالبی که تناسبی با هدف پژوهش نداشتند، حذف شدند (۹ مورد). سپس چکیده موارد باقی مانده بررسی و منابع نامرتب حذف شدند (۷ مورد). در گام پنجم با بررسی محتوای منابع باقی مانده، سایر موارد نامرتب حذف شدند (۲ مورد). در نهایت، ۲۸ مطالعه جهت تدوین پژوهش واجد شرایط شدند. سپس از رویکرد کدگذاری ۲ مرحله‌ای برای تحلیل محتوای مطالعات استفاده شد (رایان و برنارد^۱، ۲۰۰۳).

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، نوآوری طی یک زنجیره ارزش ۳ مرحله‌ای اعم از ایده‌یابی، خلق ارزش و پذیرش نوآوری رخ می‌دهد. این مراحل، کدهای نهایی مطالعه ما را تشکیل می‌دهند. هر یک از این مراحل، با عباراتی (کدهای اولیه) توصیف می‌شوند. به‌عنوان نمونه، ایجاد تغییر، اکتشاف و خلق چیزی جدید یا ایجاد بهبود در چیزهای موجود بیانگر خلق ایده یا خلاقیت هستند؛ یعنی ایده‌ای که هنوز ارزشی ایجاد نکرده است. هر گونه خروجی ملموس اقتصادی در قالب سود، اشتغال‌زایی، درآمدزایی و نظایر آن نیز معرف خلق ارزش هستند؛ یعنی همان مرحله تحقق نوآوری. کاربرد ارزش خلق‌شده نیز توصیف‌گر پذیرش نوآوری است؛ یعنی انتشار گسترده نوآوری در سطح بنگاه یا جامعه. این کدهای اولیه راهنمای تجزیه و تحلیل ما از مرور پیشینه است؛ به‌نحوی که عباراتی که در بردارنده چنین مضامینی باشند، تحت ۳ کد نهایی ایده‌یابی (خلاقیت)، خلق ارزش (تحقق نوآوری) و پذیرش نوآوری قرار می‌گیرند. نمونه کدگذاری اولیه و نهایی در جداول ۱ و ۲ آورده شده است.

گزارش یافته‌ها: در گام آخر نیز یافته‌ها گزارش می‌شوند (بخش یافته‌ها).

¹. Ryan & Bernard

جدول ۱. نمونه کدگذاری اولیه نوآوری در علوم انسانی و اجتماعی

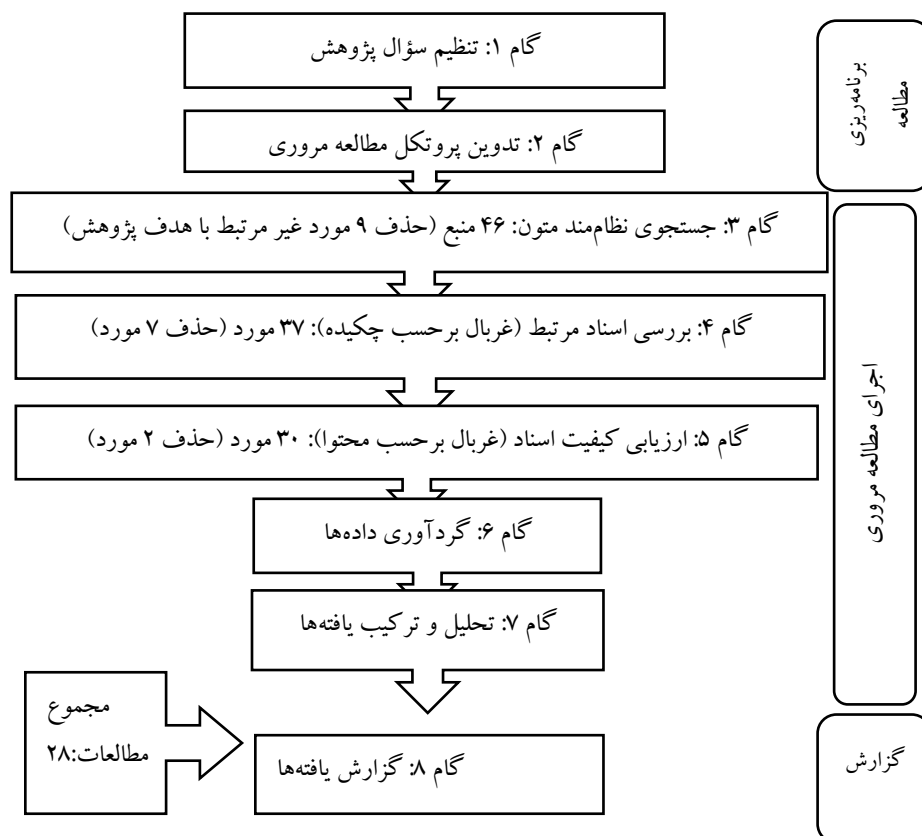
عبارت	کد اولیه
علوم انسانی و اجتماعی با مشاوره باعث درآمذزایی برای پژوهشگران می‌شود (گاسکوئین و متکالف، ۲۰۰۵).	علوم انسانی و اجتماعی دارای خروجی اقتصادی است.

جدول ۲. نمونه کدگذاری نهایی نوآوری در علوم انسانی و اجتماعی

کد نهایی	کد اولیه
خلق ارزش	پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی دارای خروجی اقتصادی است.

جهت حفظ کیفیت و امانت‌داری^۱ پژوهش، از شیوه مرسوم در مطالعات کیفی با توجه به معیارهای ۴ گانه کرسول و پوت^۲ (۲۰۱۶) استفاده شده است. جهت تحقق باورپذیری^۳، نحوه کدگذاری و نتایج، به تأیید ۲ محقق دانشگاهی رسید. انتقال‌پذیری^۴ یا ارائه اطلاعات کافی به خواننده، با ارائه گزارش پژوهش به ۳ پژوهشگر تأمین شد. معیار اطمینان‌پذیری^۵ به معنی ایجاد امکان بازبینی توسط سایر پژوهشگران و معیار تأیید‌پذیری^۶ به معنای تأیید نتایج توسط سایر پژوهشگران نیز با انجام کدگذاری توسط یک کدگذار دیگر حاصل شد.

1. trustworthiness
 2. Creswell & Poth
 3. credibility
 4. transferability
 5. dependability
 6. confirmability



شکل ۱. فرایند انجام پژوهش

یافته‌ها: مفهوم نوآوری حاصل از پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی ایده یابی (خلاقیت)

خلق امور/ چیزهای جدید: پژوهش‌هایی علوم انسانی و اجتماعی قابلیت خلق تئوری‌های جدید را دارند. توسعه تئوری‌های ریسک در اقتصاد، تئوری‌پردازی در زمینه تأثیر انسان بر طوفان یخبندان توسط رشته تاریخ و ارائه دیدگاه در مورد نحوه تعامل زبان‌های متفاوت با هم توسط زبان‌شناسی نمونه آن است (کتابچه راهنمای فراسکاتی، ۲۰۱۵)؛ بنابراین

ما ارائه نظریات جدید را به‌عنوان خلق چیزهای جدید توسط این پژوهش‌ها در نظر گرفته‌ایم که هنوز منتج به ارزشی نشده‌اند.

اکتشاف: ماهیت پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی تفسیری است و تا حد زیادی به ارزش‌های محقق وابسته است؛ به‌طوری‌که دو پژوهشگر که موضوع یکسانی را مطالعه می‌کنند، می‌توانند به نتایج متفاوتی برسند (اولموس-پنوئلا^۱ و همکاران، ۲۰۱۵). بر اساس یافته‌های ما، انجام اکتشاف در این پژوهش‌ها می‌تواند معادل «بررسی مجدد شواهد پیشین از دیدگاهی متفاوت» باشد؛ چیزی که در تضاد با STEM است. دانش در علوم طبیعی ماهیتی تجمعی و متوالی دارد؛ یعنی دانش جدید جایگزین دانش پیشین می‌شود. مثلاً اگر پژوهشگری در علوم زیستی، ساختار ماریپچ دوگانه DNA را کشف و منتشر کند، پژوهش او نقطه آغازی برای ادامه راه توسط سایرین است؛ اما در علوم انسانی و اجتماعی ارزیابی و توسعه دیدگاه‌های جدید در خصوص ایده‌های پیشین به‌منزله اکتشاف است. مثلاً اگر پژوهشگری مقاله‌ای در مورد موسیقی باخ منتشر کند، مطالب او مانع بحث و بررسی‌های سایرین نیست؛ زیرا نمی‌توان ادعا کرد که آخرین حقایق در مورد موسیقی باخ در مقاله او بررسی و پایان یافته است (بخشی و همکاران، ۲۰۰۸).

خلق ارزش (تحقق نوآوری) ارزش اقتصادی

درآمدزایی: درآمدزایی این علوم در دو سطح و برای پژوهشگران این رشته‌ها و جامعه رخ می‌دهد. ارائه مشاوره و برگزاری کارگاه‌های آموزشی نظیر مشاوره‌های تجاری و حقوقی (رابسون^۲ و همکاران، ۲۰۲۳)، روانشناسی و اقتصادی (موسوی، ۱۳۹۴)، مشاوره‌های سازمانی جهت توسعه و اجرای سیاست‌ها (گاسکوئین و متکالف^۳، ۲۰۰۵)، ارائه مشاوره‌های

1. Olmos-Peñuela

2. Robson

3. Gascoigne & Metcalfe

باستان‌شناسی به پروژه‌های عمرانی (هازلکورن و همکاران، ۲۰۱۳) و کمک به تولید آثار فرهنگی نظیر فیلم و تئاتر از طریق مشاوره دادن به تولیدکنندگان آن در خصوص جزئیات تاریخی یک اثر هنری (کاسترو مارتینز و همکاران، ۲۰۱۰) ابزارهای مرسوم جهت درآمدزایی فردی است. تولید خروجی‌های ملموسی نظیر مصنوعات در قالب نقاشی و مجسمه (هازلکورن و همکاران، ۲۰۱۳) نیز از دیگر راه‌های درآمدزایی است.

از راه‌های سهم‌شدن در اقتصاد، کمک به ارتقاء نوآوری در صنایع خلاق است (شورای تحقیقات هنر و علوم انسانی انگلستان، ۲۰۰۹). استفاده توسعه‌دهندگان بازی‌های رایانه‌ای و ویدئویی از هنر، نمایش و موسیقی برای تولید بازی‌های نوآورانه (بخشی و همکاران، ۲۰۰۹) و سهم‌شدن هنر در طراحی، تولید و تبلیغات محصولات جدید موجب تقویت نوآوری‌ها می‌شود. این علوم با ایفای نقش فرهنگی نیز به رشد اقتصادی جامعه کمک می‌کنند. نقش رشته باستان‌شناسی در جذب گردشگران (گروه ایمپکت، ۲۰۰۸)، وابستگی صنعت توریست به موزه‌ها و مؤسسات میراث فرهنگی، اثرگذاری بر موفقیت اقتصادی کسب و کارها از طریق آشناکردن آنان با فرهنگی که در آن مشغول به فعالیت‌اند (هولم و همکاران، ۲۰۱۵) و افزایش شهرت بین‌المللی و تبدیل کردن یک کشور به مکانی جذاب برای سرمایه‌گذاری (شورای تحقیقات هنر و علوم انسانی انگلستان، ۲۰۰۹) مصداق آن است. علاوه بر این، علوم انسانی با تبیین جایگاه انسان، صورت‌بندی حقوق و آزادی انسان و تبیین مفهوم عدالت و نقش دولت، در تدوین الگوی مناسب توسعه در تمامی جنبه‌ها از جمله اقتصادی نقش دارند (کسرای و اصغری، ۱۴۰۱).

ارزش اجتماعی

حفظ میراث ملی، فرهنگی و تمدن‌سازی: علوم انسانی و اجتماعی به‌عنوان مهم‌ترین رکن تمدن‌سازی، نقش مهمی در تحقق آرمان‌های جوامع ایفا می‌کنند (قلی‌پور و چیت‌سازیان، ۱۳۹۶). این علوم با حفظ و تفسیر میراث ملی مانع از نابودی آن‌ها می‌شوند.

نقش زبان‌شناسی در حفظ زبان‌ها و اشعار رو به نابودی (لویت و همکاران، ۲۰۱۰) و نسخ قدیمی (کاسترو مارتینز و همکاران، ۲۰۱۰) مثال آن است. در کنار تقویت موجودیت فرهنگی، این علوم بیش‌تر در خدمت تولید محتوا، ترویج فرهنگ گفتگو و تفکر انتقادی‌اند (گلحسینی و همکاران، ۱۴۰۰؛ عسکری و همکاران، ۱۴۰۰). آن‌ها دارای ظرفیت تحلیلی انتقادی برای به چالش کشیدن مفروضات هستند و حسی از سنت‌ها و فرهنگی که جامعه و اقتصاد در آن کار می‌کنند، ارائه می‌دهند (بخشی و همکاران، ۲۰۰۹). در کنار تقویت و احیای موجودیت فرهنگی ملل، علوم انسانی نقش بسزایی در توسعه فرهنگی جوامع نیز ایفا می‌کنند؛ چراکه مسأله‌یابی، تبیین مسأله و تعیین مسیر کلان هر نظام فرهنگی از مهم‌ترین وظایف علوم انسانی است (برزگر و همکاران، ۱۴۰۱).

درک مفهوم شادی و لذت از آن: نقش پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی

در پر کردن اوقات فراغت افراد از طریق رویدادهایی نظیر نمایشگاه‌ها، جشنواره‌های هنری، موزه‌ها، تئاتر و رمان (لویت و همکاران، ۲۰۱۰) و ایجاد درک زیبایی‌شناختی و لذت بردن از آثار هنری از دیگر ارزش‌های ذاتی این علوم است. حوزه‌هایی مانند ادبیات، تاریخ هنر و موسیقی‌شناسی با پژوهش، تمیز زیبایی‌شناختی را ترویج می‌کنند و فهم و لذت بردن از آثار هنری را افزایش می‌دهند. درصد بالایی از نحوه زندگی و لذتی که افراد از دنیا می‌برند، ناشی از تأثیرات آموزشی این علوم است. اینکه چگونه باید بین اشکال ارتباطی خوب و بد، بین چیزهای ساده و جدی، سطحی و عمیق تمایز قائل شد، بلوغی است که از طریق آموزش‌های این حوزه به دست می‌آید (هولم و همکاران، ۲۰۱۵).

ارتقای سلامت شخصی و فکری افراد: به زعم هولم و همکاران (۲۰۱۵)

پژوهش‌های علوم انسانی با مطالعه متون و سنت‌های مختلف مذهبی، فلسفی یا فکری، موجب رشد سلامت شخصی و فکری افراد می‌شوند. آن‌ها در مورد ارزش‌ها و معنای هستی

ما هستند؛ چیزی که هیچ کس نمی تواند آن را نادیده بگیرد. این امر مشابه نفس کشیدن است که تقریباً هرگز در زندگی روزمره به آن توجه نمی کنیم، مگر اینکه مشکلی مانند آسم وجود داشته باشد و ناگهان متوجه می شویم که تنفس یک فعالیت اساسی است. نکته اینجا است که اگر صبر کنیم تا بیماری رخ دهد، ممکن است درمان با دشواری بیشتری مواجه شود. از این رو علوم انسانی نیز عملکردی مشابه عملکرد تنفس دارد.

کمک به پذیرش نوآوری‌ها، برنامه‌ها/ سیاست‌ها: بررسی تأثیر تغییرات

فناورانه بر جامعه یکی دیگر از ارزش‌های ناملموس این علوم است. برای مثال امکاناتی که علمی مانند زیست‌فناوری فراهم می‌آورد، لزوماً با آنچه برای جامعه قابل قبول است، یکسان نیست. زمانی که امکان‌پذیری فنی با پذیرش فرهنگی همراه باشد، نوآوری‌ها با سرعت بیشتری رخ می‌دهند. علوم انسانی و اجتماعی می‌تواند از طریق فلسفه، نظریات حقوقی، الهیات و اندیشه سیاسی روش‌هایی برای درک پویایی‌های اجتماعی و واقعیت‌های اقتصادی تغییرات فناورانه و اجتماعی ارائه دهند. برای مثال، پیشرفت در تحقیقات سلول‌های بنیادی و شبیه‌سازی مستلزم گفت‌وگو درباره معنای انسان بودن و مرزهای قابل قبول پیشرفت‌های علمی است (بخشی و همکاران، ۲۰۰۸). این علوم با ارائه ابزارهای تحلیلی و مفهومی، به انسان ماندن در یک دنیای فناورانه تحت تأثیر رسانه‌ها و اخبار متعدد کمک می‌کنند (رابسون و همکاران، ۲۰۲۳). در کنار کمک به پذیرش فناوری‌های نوآورانه، علوم انسانی با تعریف ساختارهای حقوقی نظیر حقوق مالکیت معنوی، انجام نوآوری‌ها را نیز تحریک می‌کنند (آقائی و همکاران، ۱۴۰۱).

علاوه بر این، باید در نظر داشت که برنامه‌ریزی توسعه در هر بخشی از جامعه، نیازمند پرداختن به مسائل فرهنگی آن نیز هست. زمانی که برنامه‌ای جهت توسعه (در هر حوزه‌ای) طراحی می‌شود، باید در نظر داشت که آیا با باورها، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه

هدف مطابقت دارد یا نه. پرداختن به این ابعاد فرهنگی، در پذیرش فناوری‌های وارداتی نیز نقش مهمی ایفا می‌کند (پناهی، ۱۳۹۴).

تأمین رفاه و امنیت جوامع: امروزه با گسترش فقر و شکاف طبقاتی در جوامع به ویژه میان جوامع توسعه‌یافته و در حال توسعه، ضرورت جایابی مفهوم عدالت در نظریات توسعه بیش‌تر شده است. تبیین مفهوم عدالت با مفهوم اخلاق ارتباط تنگاتنگی دارد؛ امری که در حوزه علوم انسانی و در حیطه رشته‌های جامعه‌شناسی، تاریخ و حقوق است. آن‌ها با بازتعریف مفهوم عدالت، الگوی مناسبی برای توسعه پیشنهاد می‌دهند (کسرای و اصغری، ۱۴۰۱). علاوه بر این، علوم انسانی با بررسی دلایل و ریشه‌های ارتکاب جرم و جنایت در جوامع، به تأمین امنیت جوامع کمک شایانی می‌کنند (بلفیور، ۲۰۱۰).

ارزش‌سیاستی

تأثیر بر سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری: مشارکت در تهیه پیش‌نویس برنامه‌های سیاست عمومی مانند طرح‌های علم و فناوری منطقه‌ای اسپانیا (کاسترو مارتینز و همکاران، ۲۰۱۰) و انعکاس پژوهش‌های دانشکده حقوق دانشگاه کمبریج در معاهده لیسبون مثالی از مشارکت پژوهشگران علوم انسانی و اجتماعی در قانون‌گذاری است (لویت و همکاران، ۲۰۱۰). مثال بارز دیگر، مشارکت رشته‌های مطالعات دینی، جامعه‌شناسی، جرم-شناسی، اقتصاد، روانشناسی، فلسفه و ارتباطات بر سیاست‌گذاری در حوزه امنیت، کاهش آمار جرائم و امور رفاهی با بررسی عواملی نظیر عدالت، جنایت و امور شهروندی است (آکادمی بریتانیا برای علوم انسانی و اجتماعی، ۲۰۱۰). پژوهش‌های حوزه مدیریت دولتی نیز دستیابی به رفاه اجتماعی، اعتماد و پاسخگویی در دولت، کاهش بیکاری و نظایر آن را منجر می‌شود (نریمانی و واعظی، ۱۳۹۶). در کنار چنین مشارکت‌هایی، پژوهشگران این رشته‌ها با

پرداختن به مسائلی نظیر دلایل و ریشه‌های مشکلات و اختلالات روانی (داس و پیتال^۱، ۲۰۲۱)، نابرابری‌ها و نفی حقوق بشر (اسپاین و سیورتنسن^۲، ۲۰۲۰) و دلایل و نحوه مقابله با تغییرات آب و هوایی (بلو^۳، ۲۰۱۶) نقش مهمی در سیاست‌گذاری‌ها و وضع قوانین حوزه سلامت روان (جهت کاهش آمار جرائم و خودکشی‌ها)، اجتماعی (جهت حفظ ارزش و کرامت انسانی) و حوزه زیست‌محیطی ایفا می‌کنند.

پذیرش نوآوری

کاربرد: مطابق یافته‌های ما، بر اساس پیشنهاد بن ورث (۲۰۱۵) مرحله پذیرش نوآوری را می‌توان در علوم انسانی و اجتماعی معادل مرحله «تثبیت» دانست که ارزش انسانی در افراد تجسم می‌یابد و از طریق روابط اجتماعی شکل گرفته و تداوم می‌یابد. او یک مدل چند سطحی برای درک تأثیر اجتماعی پژوهش‌های این حوزه را بر اساس ۳ فرایند کلی پیشنهاد می‌دهد. در فرآیند اول، دانش به گونه‌ای تغییر می‌کند که به آن قابلیت استفاده می‌دهد. در فرآیند دوم دانش مدون شده و در مجموعه وسیع‌تری از شبکه‌ها گردش و مجموعه‌ای از ذینفعان مجزا را ایجاد می‌کند. در فرآیند سوم، مزایای مجزای ایجاد شده به شکل موجی گسترش یافته و به شکل ظرفیت‌های جدید برای جامعه متبلور می‌شود. در این فرآیندهای تبدیل-گردش-تبلور نوعی مقیاس‌افزایی وجود دارد، به طوری که خروجی‌های یک فرآیند در یک سطح به‌عنوان ورودی در سطح بالاتر عمل می‌کنند. دانش آکادمیک می‌تواند به دانش مدون کاربر تبدیل شود، دانش کاربر می‌تواند در شبکه‌ها و جوامع به گردش درآید و این دانش در گردش در مجموعه‌ای از ظرفیت‌های اجتماعی «تثبیت» می‌شود.

1. Das & Paital
2. Spaape & Sivertsen
3. Blue

جدول ۳. کدگذاری مفهوم نوآوری حاصل از پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی

کد نهایی	کد اولیه	شرح کد	منبع
(خلایقین- ایله‌یاری)	جدید	ارائه تئوری‌ها و نظریات جدید	راهنمای فراسکاتی (۲۰۱۵)
	اکتشاف	بررسی و توسعه شواهد پیشین از دیدگاهی دیگر دستیابی به نتایج متفاوت برای یک موضوع یکسان	اولموس و همکاران (۲۰۱۵)؛ بخشی و همکاران (۲۰۰۹) ؛ بخشی و همکاران (۲۰۰۸)
اقتصادی خلق ارزش (تحقق نوآوری)		ارائه الگوی توسعه اقتصادی جوامع	کسرایی و اصغری (۱۴۰۱)
		مشارکت در رشد صنایع خلاق	هولم و همکاران (۲۰۱۵)؛ آکادمی بریتانیا برای علوم انسانی و اجتماعی (۲۰۱۰)؛ شورای تحقیقات هنر و علوم انسانی انگلستان (۲۰۰۹)؛ بخشی و همکاران (۲۰۰۹)؛ بخشی و همکاران (۲۰۰۸)
		برپایی موزه‌ها و نمایشگاه‌ها	هولم و همکاران (۲۰۱۵)؛ گروه ایمپکت (۲۰۰۸)
		آموزش افراد برای بازار کار	هولم و همکاران (۲۰۱۵)؛ لویت و همکاران (۲۰۱۰)؛ شورای تحقیقات هنر و علوم انسانی انگلستان (۲۰۰۹)؛ گروه ایمپکت (۲۰۰۸)
	تولید مصنوعات و آثار هنری	هازلکورن و همکاران (۲۰۱۳)	
	برگزاری کارگاه آموزشی و سمینار	آکادمی بریتانیا برای علوم انسانی و اجتماعی (۲۰۱۰)؛ گاسکوئین و متکالف (۲۰۰۵)	

منبع	شرح کد	کد اولیه	کد نهایی
موسوی (۱۳۹۴)			
Article I. راب			
سون و همکاران (۲۰۲۳)؛ اولموس و همکاران (۲۰۱۴)؛ آکادمی بریتانیا برای علوم انسانی و اجتماعی (۲۰۱۰)؛ کاسترو مارتینز و همکاران (۲۰۱۰)	مشاوره‌های اقتصادی، تجاری، حقوقی، روانشناسی و تاریخی		
شورای تحقیقات هنر و علوم انسانی انگلستان (۲۰۰۹)	تبدیل کشور به مکانی جذاب برای سرمایه‌گذاری		
آقائی و همکاران (۱۴۰۱)	درک ساختار حقوقی تولید دانش		
برزگر و همکاران (۱۴۰۱)	کمک به توسعه فرهنگی جوامع		
کسرای و اصغری (۱۴۰۱)	کمک به تأمین رفاه و آسایش جوامع		
قلی‌پور و چیت‌سازیان (۱۳۹۶)	تمدن‌سازی و تعیین مسیر جامعه		
نریمانی و همکاران (۱۳۹۶)	کشف، توصیف و تبیین رفتار انسان در شرایط مختلف		
پناهی (۱۳۹۴)؛ رابسون و همکاران (۲۰۲۳)؛ بخشی و همکاران (۲۰۰۹)؛ بخشی و همکاران (۲۰۰۸)	شناسایی پیامدهای انسانی و اخلاقی و فرهنگی پیشرفت‌های علمی و اقتصادی		
عسکری و همکاران (۱۴۰۰)؛ گلحسینی و همکاران (۱۴۰۰)؛ کاسترو مارتینز و همکاران (۲۰۱۰)؛ لویت و همکاران (۲۰۱۰)	حفظ و تقویت میراث فرهنگی ملل		
هولم و همکاران (۲۰۱۵)؛ لویت و همکاران (۲۰۱۰)	پر کردن اوقات فراغت و ایجاد سرگرمی		
هولم و همکاران (۲۰۱۵)؛ بخشی و همکاران (۲۰۰۹)	ترویج تفکر انتقادی و فرهنگ گفتگو در جامعه		

کد نهایی	کد اولیه	شرح کد	منبع
		رشد معنوی و جسمی افراد	هولم و همکاران (۲۰۱۵)
		کمک به حفظ سلامت جامعه با پرداختن به مسائلی نظیر جرم و جنایت	بلفیور (۲۰۱۰)
		مشارکت در سیاست‌گذاری‌های حوزه امنیت، رفاه، عدالت و کاهش آمار جرائم	آکادمی بریتانیا برای علوم انسانی و اجتماعی (۲۰۱۰)
		مشارکت در تهیه پیش‌نویس برنامه‌های سیاست عمومی	کاسترو مارتینز و همکاران (۲۰۱۰)
		انعکاس پژوهش‌های حوزه حقوق در معاهدات بین‌المللی	لویت و همکاران (۲۰۱۰)
		سیاست‌گذاری در حوزه‌های سلامت، محیط‌زیست و اجتماعی	داس و پیتال (۲۰۲۱)؛ اسپاین و سیورتسن (۲۰۲۰)؛ بلو (۲۰۱۶)
		تجسم ارزش انسانی در افراد و تداوم آن	بن ورث (۲۰۱۵)

ب
ر
ن

ب
ر
ن
آ
و
ر
ی
ک
ا
ر
ب
د

بحث و نتیجه‌گیری

پس از بحران مالی سال ۲۰۰۸ و تأکید بر جامعه دانش‌محور، نگرانی‌هایی برای پژوهشگران علوم انسانی و اجتماعی پدید آمده؛ چراکه تأثیر اقتصادی پژوهش، ملاک ارزشمندی آن شده است (هازلکورن و همکاران، ۲۰۱۳). بر اساس یافته‌های ما، فرایند نوآوری در STEM طی یک زنجیره ارزش از ایده یابی (خلاقیت) آغاز و پس از خلق ارزش تجاری (تحقق نوآوری)، موردپذیرش قرار می‌گیرد؛ بنابراین بدون ارزش تجاری، نوآوری تحقق‌نیافته است (اندرسون و همکاران، ۲۰۱۴)؛ اما برخلاف STEM، پژوهش‌های

علوم انسانی و اجتماعی به‌ندرت دارای قابلیت خلق مصنوعات تجاری‌اند (هازلکورن و همکاران، ۲۰۱۳).

با توجه به ماهیت متفاوت تحقق نوآوری در پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی، هدف پژوهش حاضر ارائه تعریفی از نوآوری برای این علوم است. برحسب یافته‌ها، پژوهشگران این علوم ایده‌یابی را با اکتشاف اما به شکلی متفاوت انجام می‌دهند. اکتشاف در این علوم به شکل توسعه نظریات جدید یا پرداختن به نظریات موجود از دیدگاهی متفاوت رخ می‌دهد. در STEM هر دانش تولیدشده توسط هر پژوهشگر، نقطه آغازی برای پژوهش بعدی است و دانش، ماهیت متوالی دارد؛ اما در علوم انسانی و اجتماعی هر تئوری، قابلیت بارها بررسی توسط سایرین از دیدگاه‌های متعدد را داراست (بخشی و همکاران، ۲۰۰۹)؛ به‌ویژه که این علوم با ماهیت تفسیری خود به ارزش‌های پژوهشگر وابسته‌اند (اولموس-پنوئلا و همکاران، ۲۰۱۵).

گام بعدی فرایند نوآوری در STEM با ایجاد ارزش تجاری محقق می‌شود. هرچند پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی نیز در ایجاد تأثیرات اقتصادی سهیم‌اند؛ اما مطابق یافته‌ها، وجه تفاوت این علوم با STEM در خلق ارزش‌های ذاتی در قالب ارزش‌های اجتماعی و سیاستی است؛ چیزی که به‌راحتی قابلیت اندازه‌گیری در قالب شاخص‌های اقتصادی مرسوم را ندارد. این ارزش‌ها به شکل کمک به حفظ هویت ملی (لویت و همکاران، ۲۰۱۰)، کمک به تصمیمات سیاست‌گذاران در خصوص توسعه فناوری‌ها با شناساندن پیامدها و ابعاد اجتماعی آن‌ها (هولم و همکاران، ۲۰۱۵) و فراهم کردن زمینه پذیرش فرهنگی نوآوری‌ها (بخشی و همکاران، ۲۰۰۸) بروز می‌کنند. امری که کلمه «تجاری‌سازی» مرسوم در تعاریف نوآوری با رویکرد ابزاری (تأثیر اقتصادی) را زیر سؤال می‌برد و لزوم توجه بر کلمه ارزش را در تحقق نوآوری در پژوهش‌های این علوم برجسته می‌کند.

مرحله نهایی، پذیرش نوآوری به معنی کاربرد عملی آن (رابرتز، ۲۰۰۷) است؛ مرحله‌ای که به‌زعم بن ورث (۲۰۱۵) معادل مرحله تثبیت برای درک تأثیر اجتماعی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی است. در واقع اگر مرحله پذیرش نوآوری در علوم طبیعی با کاربرد عملی یک امر/ چیز ملموس نمود پیدا می‌کند، پذیرش نوآوری در علوم انسانی و اجتماعی به شکل تثبیت ارزش خلق‌شده در سطح افراد و جامعه است.

در مجموع با توجه به یافته‌ها، نحوه تحقق نوآوری به‌ویژه از بعد خلق ارزش‌ها در پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی متفاوت از سایر علوم است؛ چیزی که کاربرد تعاریف مرسوم نوآوری را برای پژوهش‌های این حوزه زیر سؤال می‌برد. عمده پژوهشگران در تعریف نوآوری بر لزوم تبدیل دانش به خروجی‌های ملموس تأکید کرده‌اند. نمونه آن «ایجاد محصول یا فرایندی جدید یا بهبودیافته» (تیلور، ۲۰۱۷) است. چنین تعریفی شاید مناسب رشته‌هایی نظیر هنر باشد که با ساخت مصنوعاتمانند مجسمه خروجی قابل‌رؤیتی را خلق می‌کنند (هازلکورن و همکاران، ۲۰۱۳)؛ اما برای حوزه‌های مذهبی و فلسفی که رشد سلامت فکری افراد را مدنظر دارند (هولم و همکاران، ۲۰۱۵) چگونه توجیه‌پذیر است؟

در تعاریف دیگری که ایجاد ارزش تجاری را به‌منزله تحقق نوآوری دانسته‌اند نیز چالش مشابهی وجود دارد. مثال آن «تبدیل ایده به درآمد و سود» (لافلی و چاران، ۲۰۱۰) و «عملیاتی کردن خلاقیت بالقوه بانگیزه تجاری» (سینگ و آگاروال، ۲۰۲۲) است. رشته‌های هنری از طریق رویدادهایی نظیر نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های هنری (لویت و همکاران، ۲۰۱۰)، تاریخ و باستان‌شناسی با موزه‌ها (گروه ایمپکت، ۲۰۰۸) و رشته‌هایی نظیر مدیریت، حقوق، اقتصاد و روانشناسی با مشاوره دادن (رابسون و همکاران، ۲۰۲۳؛ موسوی، ۱۳۹۴) قادر به کسب درآمد و کمک به اقتصاد جامعه هستند، اما سؤال اینجاست که رشته‌ای نظیر اخلاق زیستی که چالش‌های اجتماعی حاصل از توسعه فناوری‌ها را بررسی می‌کند (هولم و همکاران، ۲۰۱۵)، چگونه قادر به ایجاد تأثیرات اقتصادی‌اند؟

گودین (۲۰۰۸) «ایجاد تغییر در تمام حوزه‌های زندگی اعم از فرهنگی، اجتماعی، سازمانی، سیاسی و فناورانه» را نوآوری در نظر گرفته است. در این تعریف، هرچند به ارزش‌های ذاتی نظیر ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی بها داده شده؛ اما تنها خلق این ارزش‌ها را کافی ندانسته و آن را در کنار تغییر در تمامی امور از جمله تغییرات فناورانه، تحقق نوآوری فرض کرده است. همان‌طور که یافته‌های ما نشان داد، پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی قادر به خلق ارزش‌های اجتماعی و سیاستی‌اند (هولم و همکاران، ۲۰۱۵؛ شورای تحقیقات هنر و علوم انسانی انگلستان، ۲۰۰۹) و چیزی به شکل فناوری را روانه بازار نمی‌کنند.

درنهایت، ما در مرور پیشینه مفهوم نوآوری به تعریفی از نوآوری تحت عنوان «انجام متفاوت کارها» برمی‌خوریم (پرین، ۲۰۰۲). ارائه شیوه‌های بازاریابی توسط علمی نظیر مدیریت می‌تواند شیوه انجام کارها را تغییر دهد، اما این امر در علوم نظیر ادبیات، تاریخ، فلسفه، الهیات و نظایر آن چگونه توجیه‌پذیر است؟

با توجه به بروز چنین چالشی، پژوهش حاضر با در نظر گرفتن اینکه تعاریف مرسوم نوآوری می‌توانند تنها برای برخی از رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی که خروجی اقتصادی دارند، مناسب باشد، ارائه تعریفی از نوآوری را هدف خود قرار داده تا بر لزوم توجه به ماهیت این رشته‌ها در خلق ارزش‌های ذاتی تأکید کند. ما بر اساس یافته‌های خود، تعریف زیر را برای نوآوری حاصل از پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی پیشنهاد می‌دهیم: «نوآوری حاصل از پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی فرایندی است که از طریق آن «نظریات و دیدگاه‌های جدید» یا «نظریات و دیدگاه‌های متفاوت از نظریات و دیدگاه‌های موجود» حاصل از انجام پژوهش‌ها، با خلق ارزش‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاستی برای افراد یا جوامع به واقعیت تبدیل می‌شوند و با تبلور یافتن در سطح افراد و جوامع موردپذیرش عملی قرار می‌گیرند.»

با توجه به برجسته شدن تأثیرات ناملموس (غیراقتصادی) علوم انسانی و اجتماعی و قابلیت این پژوهش‌ها در خلق ارزش‌های فرهنگی، هنری، اجتماعی و وضع/ بهبود سیاست‌های حوزه سلامت، زیست‌محیطی و اجتماعی و نظایر آن، پیشنهاد‌های زیر به بازیگران مختلف نظام نوآوری جهت تحریک نوآوری‌های حوزه علوم انسانی و اجتماعی پیشنهاد می‌شود:

- با توجه به زمان‌بر بودن بروز تأثیرات اجتماعی و سیاستی این علوم، انتظار می‌رود تا رویکردی متناسب با این ویژگی جهت ارزیابی تأثیرات بلندمدت این علوم برای جامعه طراحی و اجرایی شود؛ چراکه اکتفای صرف بر مدل‌های ارزیابی کنونی که به دنبال محاسبه تأثیرات اقتصادی کوتاه‌مدت هستند؛ با نادیده گرفتن تأثیرات و ارزش‌های علوم انسانی و اجتماعی، موجب غیرکاربردی شدن تلقی شدن این علوم خواهند شد.

- لازم است تا سرمایه‌گذاران و آژانس‌های تأمین مالی ضمن آشنایی با منافع سرشار این علوم برای جامعه، تأمین مالی بیش‌تر پروژه‌های علوم انسانی و اجتماعی را در دستور کار خود قرار دهند.

- به سیاست‌گذاران حوزه علم و فناوری پیشنهاد می‌شود تا جهت تحریک نوآوری‌های حوزه علوم انسانی و اجتماعی، ضمن بررسی کامل منافع این علوم برای جامعه و شناسایی چالش‌های پیش‌روی آنان، ابزارهایی جهت تحریک نوآوری در این علوم متناسب با ویژگی‌هایشان تعریف و اجرایی کنند. نمونه آن ابزارهای سیاستی طرف تقاضاست که ضمن آشنایی کاربران/ مشتریان با مزایای این علوم و آگاه کردن پژوهشگران از پتانسیل بالای خود جهت پاسخ به تقاضای بازار، موجب تسهیل ورود منافع این علوم برای جامعه و بهره‌برداری از آن خواهد شد.

محدودیت مهمی که در انجام پژوهش با آن روبرو بودیم، تمرکز اغلب پژوهشگران بر بررسی مفهوم نوآوری در حوزه STEM و بالتبع جدید بودن مفهوم نوآوری در علوم انسانی و اجتماعی و محدودیت منابع مربوطه بوده است. در این پژوهش ما صرفاً

نوآوری حاصل از این پژوهش‌ها را مدنظر قرار داده‌ایم؛ بنابراین، همکاری میان‌رشته‌ای و بررسی نوآوری حاصل از ادغام این علوم با سایر رشته‌ها به‌خصوص STEM، دسته‌بندی رشته‌ها برحسب نوع خروجی‌های حاصل (تأثیر اقتصادی و ارزش ذاتی) و بررسی مشتریان و مخاطبان هدف این رشته‌ها می‌تواند موضوع پژوهش‌های آتی باشد.

منابع و مآخذ

- آقائی، پروانه؛ قاضی نوری، سید سپهر و پاکزاد بناب، مهدی (۱۴۰۱)، «مسیرهای مشارکت علوم انسانی و اجتماعی در بوم‌سازگان نوآوری: دلالت‌هایی برای خط‌مشی‌گذاری»، مطالعات مدیریت دولتی ایران، سال پنجم، شماره ۴، ۶۴-۳۱.
- برزگر، سیروس؛ مرادی، علی و جعفری‌نیا، غلامرضا (۱۴۰۱)، «شناخت رابطه بین علوم انسانی و توسعه فرهنگی در ایران: مورد مطالعه شهر بوشهر»، مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی، دوره دهم، شماره ۴، ۱۰۳-۷۱.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۹۴)، «توسعه فرهنگی ضرورت توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی»، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره ششم، شماره ۲۲، ۲۳-۱.
- عسکری، حسین؛ چهاردولی، عباس؛ پیروزمند، علیرضا؛ تاج‌آبادی، حسین و رضایی، حمیدرضا (۱۴۰۰)، «ارزیابی انتقادی مفهوم تجاری‌سازی در علوم انسانی موجود»، تحقیقات بنیادین علوم انسانی، دوره هفتم، شماره ۲، ۱۱-۴۰.
- قلی‌پور، حسین و چیت‌سازیان، علیرضا (۱۳۹۶)، «ابعاد و مؤلفه‌های تحول در علوم انسانی در اندیشه مقام معظم رهبری»، راهبرد فرهنگ، دوره دهم، شماره ۳۶، ۱۲۴-۹۷.
- کسرایی، محمد سالار و اصغری، بهزاد (۱۴۰۱)، «الگوی تعامل علوم انسانی و اجتماعی با مفهوم توسعه»، جامعه پژوهشی فرهنگی، دوره سیزدهم، شماره ۴۶، ۱۲۶-۱۰۱.
- گلحسینی، حمید؛ حسینی، طاهره و حسن‌زاده، محمد (۱۴۰۰)، «چالش‌های اثربخشی تحقیقات در علوم انسانی و اجتماعی در ایران: تحلیلی داده بنیاد»، علوم و فنون مدیریت اطلاعات، دوره هفتم، شماره ۲، ۱۷۴-۱۴۴.

محمودپور، بختیار؛ رحیمیان، حمید؛ عباس‌پور، عباس و دلاور، علی (۱۳۹۱)، «واکاوی چالش‌های فراروی تجاری‌سازی تحقیقات علوم انسانی و ارائه یک نظر زمینه‌ای»، ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره دوم، شماره ۲، ۴۹-۱۹.

موسوی، آرش (۱۳۹۴)، «نظام نوآوری در علوم انسانی»، روش‌شناسی علوم انسانی، دوره بیست و یکم، شماره ۸۲، ۱۶۹-۱۴۳.

نریمانی، امیررضا و واعظی، رضا (۱۳۹۶)، «شناسایی عوامل تسهیلگر تجاری‌سازی پژوهش‌های دانش مدیریت دولتی»، مدیریت دولتی، دوره نهم، شماره ۲، ۲۶۲-۲۳۵.

نریمانی، امیررضا؛ واعظی، رضا؛ الوانی، مهدی و قربانی‌زاده، وجه‌الله (۱۳۹۶)، «شناسایی عوامل و موانع برون‌سازمانی دانشگاه در تجاری‌سازی پژوهش‌های علوم انسانی»، فرایند مدیریت توسعه، سال سی‌ام، شماره ۱، ۱۱۰-۸۱.

Academy, B. (2010). Past, Present and Future: The Public Value of the Humanities and Social Sciences.

Anderson, N., Potočnik, K., & Zhou, J. (2014). Innovation and creativity in organizations: A state-of-the-science review, prospective commentary, and guiding framework. *Journal of management*, 40(5), 1297-1333.

Arts, & Council, H. R. (2009). Leading the World. The Economic Impact of UK Arts and Humanities Research. In: AHRC Swindon.

Bakhshi, H., Schneider, P., & Walker, C. (2009). Arts and humanities research in the innovation system: The UK example. *Cultural Science Journal*, 2(1).

Bakhshi, H., Schneider, P., & Walker, C. (2008). Arts and humanities research and innovation.

Belfiore, E. (2015). 'Impact', 'value' and 'bad economics': Making sense of the problem of value in the arts and humanities. *Arts and Humanities in Higher Education*, 14(1), 95-110.

Belfiore, E., & Bennett, O. (2010). Beyond the "Toolkit Approach": arts impact evaluation research and the realities of cultural policy-making. *Journal for cultural research*, 14(2), 121-142.

Benneworth, P. (2015). Tracing how arts and humanities research translates, circulates and consolidates in society... How have

- scholars been reacting to diverse impact and public value agendas? *Arts and Humanities in Higher Education*, 14(1), 45-60.
- Blue, G. (2016). Framing climate change for public deliberation: What role for interpretive social sciences and humanities?. *Journal of Environmental Policy & Planning*, 18(1), 67-84.
- Bührer, S., Feidenheimer, A., Walz, R., Lindner, R., Beckert, B., & Wallwaey, E. (2022). Concepts and methods to measure societal impacts: An overview.
- Castro Martínez, E., Molas Gallart, J., & Olmos Peñuela, J. (2010). Knowledge transfer in the social sciences and the humanities: Informal links in a public research organization.
- Creswell, J. W., & Poth, C. N. (2016). *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches*. Sage publications.
- Curley, M., Salmelin, B., Curley, M., & Salmelin, B. (2018). The evolution of innovation. In *Open Innovation 2.0: The New Mode of Digital Innovation for Prosperity and Sustainability*. Springer.
- Damanpour, F., & Schneider, M. (2006). Phases of the adoption of innovation in organizations: effects of environment, organization and top managers 1. *British journal of Management*, 17(3), 215-236.
- Das, K., & Paital, B. (2021). Future call for policy making to speed up interdisciplinarity between natural and social sciences and humanities in countries such as India. *Heliyon*, 7(3).
- Gascoigne, T., & Metcalfe, J. (2005). *Commercialisation of research activities in the humanities, arts and social sciences in Australia*. Council for the Humanities, Arts and Social Sciences.
- Gault, F. (2018). Defining and measuring innovation in all sectors of the economy. *Research policy*, 47(3), 617-622.
- Godin, B. (2008). In the shadow of Schumpeter: W. Rupert Maclaurin and the study of technological innovation. *Minerva*, 46(3), 343-360.
- Goswami, S., & Mathew, M. (2005). Definition of innovation revisited: An empirical study on Indian information technology industry. *International Journal of Innovation Management*, 9(03), 371-383.

- Hazelkorn, E., Ryan, M., Gibson, A., & Ward, E. (2013). *Recognising the Value of the Arts and Humanities in a Time of Austerity*.
- Holm, P., Jarrick, A., & Scott, D. (2015). *Humanities world report 2015*. Springer Nature.
- Lafley, A. G., & Charan, R. (2010). *The game changer: How every leader can drive everyday innovation*. Profile Books.
- Levitt, R., Celia, C., Diepeveen, S., Chonail, S. N., Rabinovich, L., & Tiessen, J. (2010). *Assessing the Impact of Arts and Humanities Research at the University of Cambridge*. Technical Report. RAND Corporation.
- Lundström, A., & Zhou, C. (2011). Promoting innovation based on social sciences and technologies: the prospect of a social innovation park. *Innovation: The European Journal of Social Science Research*, 24(1-2).
- Manual, F. (2015). *The Measurement of Scientific, Technological and Innovation Activities-Guidelines for Collecting and Reporting Data on Research and Experimental Development*. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD). Paris: OECD Publishing.
- Olmos-Peñuela, J., Benneworth, P., & Castro-Martínez, E. (2015). Are sciences essential and humanities elective? Disentangling competing claims for humanities' research public value. *Arts and Humanities in Higher Education*, 14(1), 61-78.
- Olmos-Peñuela, J., Molas-Gallart, J., & Castro-Martínez, E. (2014). Informal collaborations between social sciences and humanities researchers and non-academic partners. *Science and public policy*, 41(4).
- Perrin, B. (2002). How to—and how not to—evaluate innovation. *Evaluation*, 8(1), 13-28.
- Porter, M. E., & Stern, S. (1999). *The New Challenge to America's Prosperity: Findings from the Innovation Index*, Council on Competitiveness. Washington, DC.
- Reale, E., Avramov, D., Canhial, K., Donovan, C., Flecha, R., Holm, P., Larkin, C., Lepori, B., Mosoni-Fried, J., & Oliver, E. (2018). A review of literature on evaluating the scientific, social and political impact of social sciences and humanities research. *Research evaluation*, 27(4), 298-308.

- Reed, M. S., Ferré, M., Martin-Ortega, J., Blanche, R., Lawford-Rolfe, R., Dallimer, M., & Holden, J. (2021). Evaluating impact from research: A methodological framework. *Research policy*, 50(4), 104147.
- Roberts, E. B. (2007). Managing invention and innovation. *Research-Technology Management*, 50(1), 35-54.
- Robson, J., Murphy, E., Nuseibeh, N., Tawell, A., Hart, B., Stewart, J., Keep, E., & Marginson, S. (2023). The value of the humanities: understanding the career destinations of Oxford humanities graduates.
- Ryan, G. W., & Bernard, H. R. (2003). Techniques to identify themes. *Field methods*, 15(1), 85-109.
- Singh, S., & Aggarwal, Y. (2022). In search of a consensus definition of innovation: A qualitative synthesis of 208 definitions using grounded theory approach. *Innovation: The European Journal of Social Science Research*, 35(2), 177-195.
- Spaapen, J., & Sivertsen, G. (2020). Assessing societal impact of SSH in an engaging world: focus on productive interaction, creative pathways and enhanced visibility of SSH research. *Research Evaluation*, 29(1), 1-3.
- Taylor, S. P. (2017). What is innovation? A study of the definitions, academic models and applicability of innovation to an example of social housing in England. *Open Journal of Social Sciences*, 5(11), 128-146.
- The Impact Group, T. I. (2008). *The Economic Role and Influence of the Social Sciences and Humanities: A Conjecture*. Social Sciences and Humanities Research Council (SSHRC).
- van Dinter, R., Tekinerdogan, B., & Catal, C. (2021). Automation of systematic literature reviews: A systematic literature review. *Information and Software Technology*, 136, 106589.
- Xiao, Y., & Watson, M. (2019). Guidance on conducting a systematic literature review. *Journal of planning education and research*, 39(1)